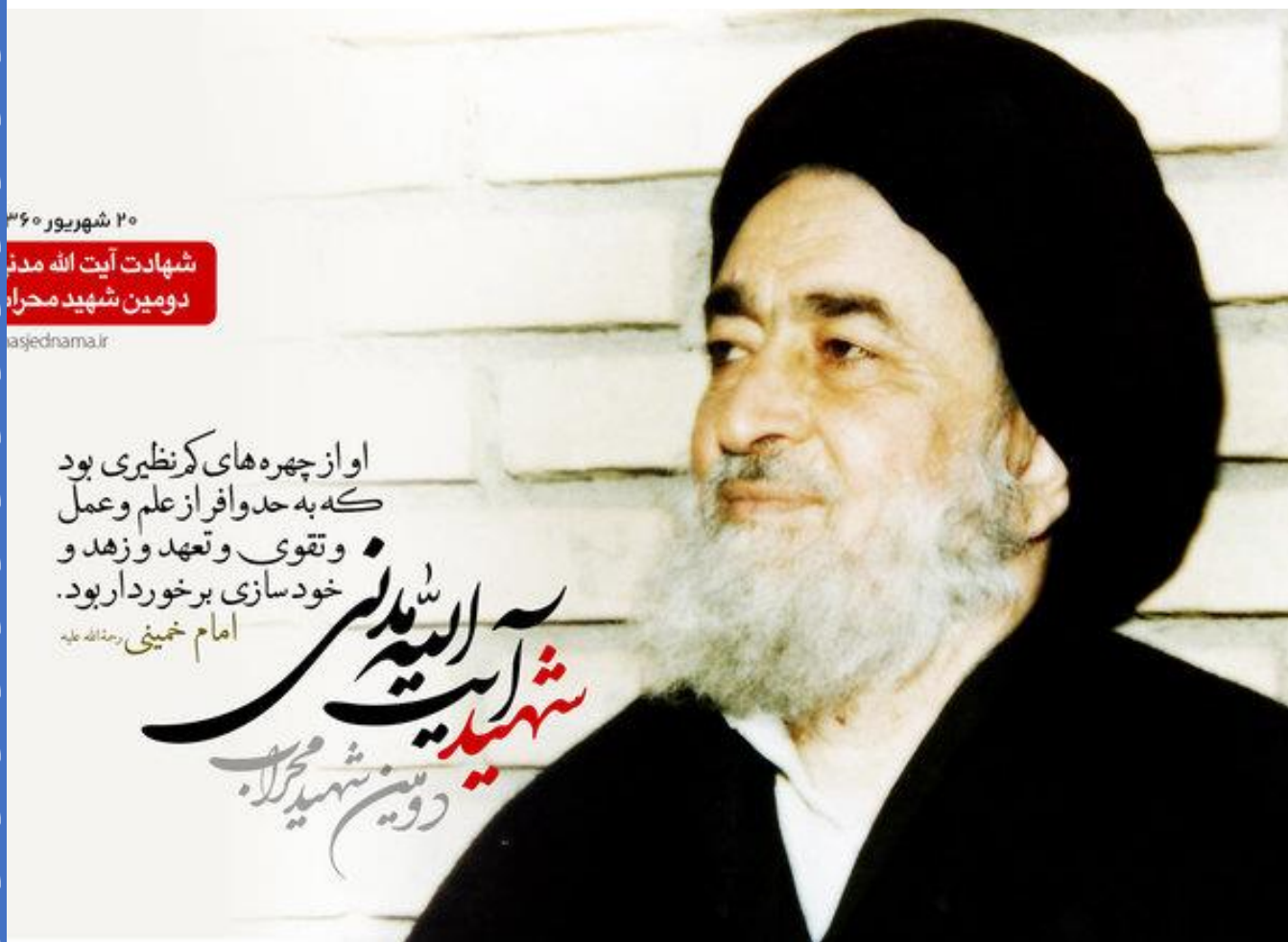


آیت الله سید اسدالله مدنی



سید اسدالله مدنی (۱۳۹۲-۱۳۶۰ ش)، از علمای شیعه مبارز علیه حکومت پهلوی، امام جمعه همدان و تبریز و از اعضای مجلس خبرگان قانون اساسی بود. اسدالله مدنی همان شخصی که عنوان دومین شهید محراب را لقب گرفته است.

بعد از اینکه علوم مقدماتی دینی را نزد افرادی چون میرزا محمدحسن منطقی و میرزا محسن میرغفاری از علمای آذرشهر فراگرفت، راهی قم شد تا در حوزه علمیه این شهر تحصیل کند. در آن زمان رضاخان فعالیت علما را بسیار محدود کرده بود و دوستان سیداسدالله او را از رفتن به قم منع می کردند، اما ایشان بر رفتنش به قم، اصرار داشت و می گفت: "حداقل برای خودم واعظ می شوم." در قم او از محضر استادانی چون آیت الله حجت کوه کمری و آیت الله سیدمحمدتقی خوانساری کسب فیض کرد. او در ۱۳۶۳ قمری به نجف عزیمت کرد تا در آنجا ادامه درسش را پی بگیرد. در آنجا بود که با امام خمینی (ره) آشنا شد و در کلاس درس سیدمحسن حکیم و سیدعبدالهادی شیرازی شرکت کرد. او همچنین در درس آیت الله سیدابوالقاسم خویی حضور یافت و از او اجازه اجتهاد دریافت کرد.

آغاز مبارزات انقلابی

"آیت الله مدنی افزون بر استعداد خاصی که در زمینه تحصیل از خود نشان می داد، مبارزی بی امان و سازش ناپذیر بود. وی پس از چندین سال دوری از وطن، در ۱۳۳۱ خورشیدی با کوله باری از دانش از نجف اشرف به زادگاه خود بازگشت. او که از جوانی همت خود را در راه مبارزه با ستم و فساد قرار داده بود در نخستین برخورد آشکار با رژیم طاغوتی، مردم را به مقابله با تولید و فروش محصولات کارخانه مشروبات الکلی آذرشهر تشویق کرد و خواستار برچیده شدن فوری این کارخانه شد.

وی در سخنرانی، با تهدید مزدوران رژیم پهلوی گفت که پانزده روز مهلت دارند تا کارخانه را از آذرشهر ببرند. در غیر این صورت، مردم بساط آن را برخواهند چید و هر فردی که در این راه کشته شود، شهید است. شهید مدنی که از تمام فرصت‌ها برای مبارزه با رژیم پهلوی سود می‌جست، در مبارزاتش بر ضد رژیم می‌کوشید از پیشوایان معصوم (ع) پیروی کند. به همین دلیل، با نزدیک شدن عید فطر سال ۱۳۳۱، زمزمه نماز پرشور عید فطر در خارج از شهر، در بین مردم به گوش رسید. شهید مدنی در اجتماع مردم در مسجد جامع شهر اعلام کرد: "ای مردم! فردا، نماز عید را در خارج از شهر اقامه خواهیم کرد. افرادی که حمیت و غیرت اسلامی دارند، فردا صبح در محل حاضر باشند." پس از اقامه نماز و خطبه‌های پرشور شهید مدنی، راه‌پیمایی پرشوری را شکل داد. او پیشاپیش جمعیت حرکت می‌کرد. این شور اسلامی در مردم سبب شد تا عده‌ای از سربازان که برای حفاظت از اماکن دولتی گماشته شده بودند، سلاح‌هایشان را زمین بگذارند و به توده مردم بپیوندند. پس از قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲ و تبعید امام خمینی (ره) به عراق، شهید مدنی، از اشخاصی بود که در سخت‌ترین روزها در کنار ایشان بود. او در نجف و همچنین در روزهایی که برای تبلیغ به ایران سفر می‌کرد از امام سخن می‌گفت و رسالت و وظایف مؤمنان را در برابر رژیم گوشزد می‌کرد. از این رو، بارها تحت تعقیب قرار گرفت. از سال ۱۳۴۱ که اخبار مربوط به شروع نهضت اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی (ره) به نجف رسیده بود، شهید مدنی، حرکت گسترده‌ای را در حمایت و پشتیبانی امام در نجف ترتیب داد. از جمله

این حرکت‌ها، تعطیل کردن کلاس‌های درس، برپایی سخنرانی و جلسه‌های متعدد در مساجد و برپایی راه‌پیمایی بزرگ مردمی به طرفداری از مبارزات امام خمینی بود. این کارها در انتشار خبر نهضت اسلامی در ایران و مطرح ساختن آن در اذهان مردم جهان بسیار مؤثر واقع شد. با تبعید امام خمینی (ره) به نجف اشرف، شهید مدنی، در تبیین مقام علمی و تبلیغ موقعیت سیاسی امام کوشید. با آنکه حکومت‌های طاغوتی ایران و عراق با توطئه برنامه‌ریزی شده در مخدوش جلوه دادن شخصیت علمی و اخلاقی امام خمینی (ره) می‌کوشیدند، شهید مدنی با شرکت در جلسه‌های درس امام و نماز جماعت ایشان، توجه طلاب و مردم را به ایشان معطوف می‌داشت.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی

"پس از به ثمر رسیدن قیام خونین ملت ایران به رهبری امام خمینی، شهید مدنی فصل دیگری از فعالیت‌های خود را برای پاسداری از انقلاب شکوهمند اسلامی آغاز کرد. پس از آغاز جنگ تحمیلی، او با روشنگری سربازان، در تقویت روحیه رزمندگان اسلام نقش بسزایی داشت. شهید مدنی با پوشیدن لباس رزم و شرکت در جبهه‌های نبرد، حضور در کنار سپاهیان اسلام و شرکت در مجالس دعا و نیایش آنان، مشوق بزرگی برای رزمندگان به شمار می‌آمد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شهید مدنی به دعوت مردم همدان به این شهر رفت و مردم آن دیار، او را به نمایندگی مجلس خبرگان انتخاب کردند. ایشان در تدوین قانون اساسی در کنار

بزرگانی چون آیت الله بهشتی، آیت الله دستغیب، آیت الله صدوقی و دیگر بزرگان بسیار کوشید. شهید مدنی پس از شهادت نخستین امام جمعه تبریز، آیت الله قاضی طباطبایی به عنوان نماینده امام و امام جمعه تبریز منصوب شد.

آیت الله مدنی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به نمایندگی از همدان به مجلس خبرگان راه یافت. امام خمینی طی حکمی در ۲۱ مهر ماه سال ۱۳۵۸ وی را به سمت امامت جمعه همدان و تصدی در امور حسیه و شرعیه منصوب کردند. متن حکم رهبر کبیر انقلاب اسلامی به شرح ذیل است:

بسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب، سید العلماء الأعلام و حجت الاسلام، آقای حاج سید اسد الله مدنی - دامت افاضاته

به قرار گزارشهایی که از شهرستان همدان می رسد، آشفتگیهایی در سطح شهر موجود، و بیم آن می رود که گروههای منحرف اسلامی اختلافات و انحرافات نمایند که با نهضت اسلامی و انقلاب اسلامی مخالف باشد. لهذا جنابعالی، با آنکه در مجلس خبرگان نماینده هستید، عجالاً به مدت ده روز یا دو هفته به همدان تشریف ببرید، و اوضاع منطقه را بررسی نمایید، و احوال و فعالیتهای منحرفین را از نزدیک سخت مورد مراقبت قرار دهید.

و ان شاء الله تعالى، پس از برگزاری مجلس خبرگان، مدتی طولانی برای بررسی اوضاع و سامان دادن به اوضاع آشفته به همدان تشریف برده، و به مسائل مربوط و امور شرعیه و گرفتاری شهر و منطقه مربوط به آن رسیدگی و اصلاح فرمایید. جنابعالی، که به شایستگی علمی و عملی موصوف هستید، منصوب به امامت جمعه در شهر همدان می‌باشید. و چون امامت جمعه از مناصب مربوط به ولی امر است، کسی بدون نصب نمی‌تواند تصدی کند.

و نیز جنابعالی مجازید در تعیین قاضی شرع برای دادگاههای شهر و حومه. اهالی محترم و مؤمن به انقلاب موظفند از معظم^{تر} له پشتیبانی قاطع کرده، و وجود محترم ایشان را غنیمت شمارند.

جناب ایشان وکیل این جانب در اخذ وجوه شرعیه، و صرف در موارد مقرر هستند. اهالی محترم وجوه شرعیه خود را به ایشان بدهند که مورد قبول است. والسلام علی عباد الله الصالحین و رحمه الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی)

(صحیفه امام، ج ۱۰، ص: ۲۸۰ و ۲۸۱)

سپس در ۱۲ آبان ماه همان سال، طی حکمی دیگر از سوی امام به شرح ذیل، آیت الله مدنی به سمت امام جمعه تبریز منصوب شدند:

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت جناب مستطاب سید العلماء الاعلام و حجت الاسلام آقای حاج سید اسد الله مدنی - دامت افاضاته

با اینکه شهرستان همدان به وجود جنابعالی احتیاج داشت، مع ذلک با احتیاج مبرمی که شهر تبریز بلکه آذربایجان به جنابعالی دارد و از طرف جمعی تقاضا شده است، مقتضی است جنابعالی در تبریز، مدتی اقامت فرمایید و به مسائل و مشکلات آنجا رسیدگی فرموده و نظارت در کمیته‌های انقلاب و همین طور دادگاههای انقلاب فرموده و آنان را ارشاد فرمایید.

جنابعالی منصوب برای اقامه نماز جمعه - این فریضه بزرگ اسلامی، سیاسی و اجتماعی - می‌باشید. امید است مردم عزیز غیرتمند تبریز و آذربایجان در پشتیبانی شما که به نفع اسلام و مسلمین است کوشا باشند. از خداوند تعالی عظمت اسلام را خواستار، و جبران فقدان فرزند عزیز اسلام و سلاله طیبه رسول اکرم، مرحوم شهید طباطبایی معظم را امیدوار است. والسلام علیکم ورحمة الله.

۱۲ شهر ذی الحجه ۹۹

روح الله الموسوی الخمينی

(صحیفه امام، ج ۱۰، ص: ۴۵۰)

نگاه دیگران

آیت الله محسن مجتهد شبستری، نماینده سابق ولی فقیه در آذربایجان شرقی درباره آیت الله شهید مدنی می گوید: «این عالم مجاهد به مصداق سخن شهید آیت الله سید محمد باقر صدر، ذوب شده در امام خمینی (ره) بود، همانگونه که امام راحل (ره) در اسلام ذوب شده بود. حیف است که چنین انسان هایی به مرگ طبیعی بمیرند و اجر و مزد رسالت و جهاد این گونه انسان ها ایجاب می کند، که با شهادت از دنیا بروند. این شهید هر سه امتیاز علم، تقوا و جهاد را دارا بود و از نظر علمی شخص صاحب نظر و دارای معلومات بالای حوزوی بود که علاوه بر آن معلم تقوا، اخلاق و مجاهد در راه خدا و نیز از فضلا و طلاب انقلابی بود که برای حمایت از مجاهدان در راه خدا، بخش زیادی از کتاب های خود را برای کمک به شهید نواب صفوی فروخت تا مقدمات این جهاد را فراهم سازد».

در جلد دوم خاطرات سالهای نجف که به همت موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) به چاپ رسیده است، در خصوص آیت الله مدتی خاطره ای نقل شده که به شرح زیر است: «در آن روزگار شهید آیت الله مدنی یکی از اساتید بزرگ حوزه نجف بود. اگر در درس کسان دیگر 30-10 نفر شرکت می کردند ولی در درس ایشان حدود 150-100 نفر حاضر می شدند. ایشان با این که از نظر علمی مستغنی بودند، اما در درس امام به طور منظم شرکت می کردند. این بود که بعضی

از آقایان از آیت الله مدنی دلگیر شدند؛ آن‌ها می‌گفتند که اگر بناست شما درس بروید! چرا در درس فلان آقا شرکت نمی‌کنید و به درس آقای خمینی می‌روید. آن‌ها بالاخره آقای مدنی را به صراحت تکفیر کردند و عده‌ای نیز او را تهدید به قتل نمودند. اما آن سید بزرگوار با صبر و متانت تا آخر وفاداری خود را نسبت به امام حفظ کرد.

شهادت

شهید مدنی، این مبارز آگاه و شجاع که پس از به ثمر رسیدن قیام خونین ملت ایران به رهبری امام خمینی، پرچم مبارزه را لحظه‌ای بر زمین نگذاشته بود و در صف مقدم مبارزه حرکت می‌کرد در محراب نماز جمعه سر بر سجده ابدی نهاد. او در ۲۰ شهریور ۱۳۶۰، در محراب نماز جمعه تبریز پس از اقامه نماز جمعه و پیش از اقامه نماز عصر به دست منافقان کوردل به شهادت رسید.

امام خمینی در پیامی شهادت این عالم نستوه را تسلیت گفتند. متن پیام به شرح زیر است :

بسم الله الرحمن الرحيم

إنا لله و إنا إليه راجعون

با شهید نمودن یک تن دیگر از ذریه رسول الله و اولاد روحانی و جسمانی شهید بزرگ امیر المؤمنین سند جنایت منحرفان و منافقان به ثبت رسید. سید بزرگوار و

عالم عادل عالیقدر و معلم اخلاق و معنویات، حجت الاسلام و المسلمین، شهید
عظیم الشان، مرحوم حاج سید اسد الله مدنی - رضوان الله علیه - همچون جد
بزرگوارش در محراب عبادت به دست منافقی شقی به شهادت رسید. اگر با به
شهادت رسیدن مولای متقیان اسلام محو و مسلمانان نابود شدند، شهادت امثال فرزند
عزیزش شهید مدنی هم آرزوی منافقان را برآورده خواهد کرد. اگر خوارج سیاه
بخت از شهادت ولی الله الاعظم طرفی بستند و به حکومت رسیدند، این گروهکهای
خائن نیز به آمال خبیث خود، که سقوط حکومت اسلام و برقراری حکومت
امریکایی است، می‌رسند. آنان لعنت خدا و رسول و ننگ ابدی را برای خود، و اینان
عذاب ابدی خدا و نفرت و لعنت قادر متعال و امت اسلام را برای خود و هم‌پیمانان و
اربابان خونخوار خویش، به بار آوردند. ملت بزرگ و روحانیون معظم چون صفی
مرصوص ایستاده‌اند که هر پرچمی از دست توانای سرداری ییفتد سردار دیگری آن
را برداشته و به میدان آید و با قدرت بیشتر در حفظ پرچم اسلامی به کوشش
برخیزد. شهید مدنی با شهادت مظلومانه خود ضد انقلاب و منافقین ضد اسلام را
بکلی منزوی کرد. این چهره نورانی اسلامی عمری را در تهذیب نفس و خدمت به
اسلام و تربیت مسلمانان و مجاهده در راه حق علیه باطل گذراند. و از چهره‌های کم
نظیری بود که به حد وافر از علم و عمل و تقوا و تعهد و زهد و خودسازی برخوردار
بود. به شهادت رساندن چنین شخصیتی به تمام معنا اسلامی همراه با تنی چند از
فرزندان اسلام و یاران با وفای انقلاب اسلامی در میعادگاه نماز جمعه و در حضور

جماعت مسلمین جز عناد با اسلام و کمر بستن به محو آثار شریعت و تعطیل جمعه و جماعت مسلمین توجیهی ندارد. اگر تا امروز برای جنایتها و شرارتهای خود بهانه‌های بی‌پایه‌ای می‌تراشیدند، در شهادت این عالم متقی که جز درباره خدمت به اسلام و مسلمانان نمی‌اندیشید بهانه‌ای جز انتقام از اسلام و ملت شریف نمی‌توانند بتراشند. انتقام از اسلام، که آن را اساس سقوط دستگاههای جبار و شکست ابرقدرتها در ایران و پس از آن در منطقه می‌بینند و از ملت قدرتمند که پشت بر آنان نموده و کاخهای آمال و آرزوی آنان را در هم کوبیده و تمامی آنان را از صحنه تا ابد بیرون رانده است، می‌گیرند. مردم رزمنده ایران و خصوص مردم غیرتمند آذربایجان که چنین روحانی متعهد و عالم عالقدری را از دست داده‌اند و حریف شکست خورده خود را می‌شناسند با عزمی جزم و اراده‌های خلل ناپذیر انتقام خود را از آنان می‌گیرند.

این جانب شهادت این مجاهد عزیز عظیم و یاران باوفایش را به پیشگاه اجداد طاهرینش، خصوصاً بقیه الله - ارواحنا له الفداء - و به ملت مجاهد ایران و اهالی غیور و شجاع آذربایجان و به حوزه‌های علمیه و خاندان محترم این شهیدان تبریک و تسلیت می‌گوییم.

خط سرخ شهادت، خط آل محمد و علی است. و این افتخار از خاندان نبوت و ولایت به ذریه طیبه آن بزرگواران و به پیروان خط آنان به ارث رسیده است. درود خداوند و سلام امت اسلامی بر این خط سرخ شهادت. و رحمت بی‌پایان حق تعالی

بر شهیدان این خط در طول تاریخ. و افتخار و سرفرازی بر فرزندان پر توان
پیروزی آفرین اسلام و شهدای راه آن. و ننگ و نفرت و لعنت ابدی بر وابستگان و
پیروان شیاطین شرق و غرب، خصوصاً شیطان بزرگ، امریکای جنایتکار که با
نقشه‌های شیطانی شکست خورده خود گمان کرده ملتی را که برای خداوند متعال و
اسلام بزرگ قیام نموده و هزاران شهید و معلول تقدیم نموده با این دغل بازیها
می‌تواند سست کند و یا از میدان به در برد. اینان پیروان سید شهیدانند که در راه
اسلام و قرآن کریم از طفل شش ماهه تا پیرمرد هشتاد ساله را قربان کرد و اسلام
عزیز را با خون پاک خود آبیاری و زنده نمود. و ارتش و سپاه و بسیج و سایر قوای
مسلح نظامی و انتظامی و مردمی ما پیرو اولیایی هستند که همه چیز خود را در راه
هدف و عقیده فدا نموده و برای اسلام و پیروان معظم آن شرف و افتخار آفریدند.
از خداوند تعالی عظمت اسلام و مسلمین و رحمت برای شهیدان، خصوصاً شهدای
اخیرمان، و بالأخص شهید عزیز مدنی معظم، و سلامت کامل برای مجروحین این
حادثه، و صبر و استقامت برای ملت بزرگ، خصوصاً آذربایجانیهای عزیز و
بازماندگان شهیدان، خواهانم. سلام و درود بر همگان. و السلام علی عباد الله
الصالحین.

روح الله الموسوی الخمینی» (صحیفه امام، ج ۱۵، ص: ۲۲۵-۲۲۷)

منبع: **پرتال امام خمینی (س)**